

# دربارہٴ زبان و تاریخ

والتر بنیامین

گزینش و ترجمہ:

مراد فرہادپور - امید مہرگان



انتشارات ہرمس

## فهرست

- ۱ ..... مقدمه مترجمان: درباره برخی مضامین تفکر والتر بنیامین
- ۲۱ ..... زبان و تاریخ: مقولات زبانی و تاریخی در تفکر بنیامین / جورجو آگامبن
- ۴۵ ..... در باب زبان و زبان بشری
- ۶۹ ..... رسالت مترجم
- ۸۹ ..... قطعه الهیاتی - سیاسی
- ۹۱ ..... در باب نظریه شناخت، نظریه پیشرفت (تومار N، پروژه پساها)
- ۱۵۵ ..... تزهایی درباره مفهوم تاریخ
- ۱۷۵ ..... پیوست: الهیات واژگون / نوربرت بولتس و ویلم فان راین
- ۱۸۹ ..... منابع

# زبان و تاریخ

## مقولات زبانی و تاریخی در تفکر بنیامین

جورجو آگامبن

در میان یادداشت‌های مقدماتی «تزهایی درباره مفهوم تاریخ» بنیامین با قطعه زیر روبه‌رو می‌شویم که به چند روایت تکرار شده است:

جهان مسیحایی همان جهان فعلیت تام و یکپارچه است. فقط در این جهان است که تاریخ کلی یا جهانشمول وجود دارد. آنچه امروزه به نام تاریخ جهانشمول شناخته می‌شود فقط می‌تواند نوعی اسپرانتو باشد. تا آن زمان که آشفته‌گی برخاسته از برج بابل آرام نیافته باشد، هیچ چیزی نمی‌تواند مصداق این عنوان باشد. پیش‌فرض آن همان زبانی است که هر متنی از یک زبان زنده یا مرده باید سرپا بدان ترجمه شود. یا به عبارت بهتر، این تاریخ خود همین زبان است، هر چند نه در مقام نوشتار بلکه به مثابه جشنی پرسرور. این جشن از هر آداب و مناسکی بری است؛ و در آن هیچ خبری از مدیحه‌سرایي نیست. زبان آن خود همان ایده نثر است، که همه آدمیان آن را می‌فهمند، درست همان‌طور که متولدان روز یکشنبه زبان پرندگان را می‌فهمند. [۱]

مقایسه میان زبان و تاریخ، مقولات زبانی و مقولات تاریخی، در این قطعه، ممکن است در نگاه نخست شگفت‌آور به نظر رسد. به گفته

بنیامین، تاریخ بشرِ رستگار شده یگانه تاریخ جهانشمول است، لیکن تاریخ نوع بشرِ رستگار شده با زبان او یکی است. تاریخ جهانشمولِ زبانِ جهانشمول را پیش فرض می‌گیرد یا، درست‌تر بگوییم، خود همان است، زبانی که به آشفتگی بابلی زبان‌ها خاتمه می‌دهد. اما نُماد این زبانِ بشرِ رستگار شده زبانی است که نوشته نمی‌شود بلکه همچون جشنی پرسرور تجربه می‌شود.

این همان ایدهٔ نثر است یا، چنان که در یکی از روایات قطعۀ فوق می‌خوانیم، «نثر آزادگشته»، نثری «که زنجیرهای نوشتن را پاره کرده است».[۲] و از این رو همهٔ آدمیان آن را می‌فهمند، درست همان‌طور که — بنا به یک افسانهٔ عامیانهٔ مسیحی در مورد قوای مافوق طبیعی «کودکانِ متولدِ روز یکشنبه» — Sonntagskinder زبان‌پرندگان را می‌فهمند.

در صفحاتی که از پی می‌آید، من قرائتی از این متن را پیش می‌کشم، متنی که در آن بنیامین یکی از ژرف‌ترین دغدغه‌هایش را با حرکتی نمونه‌وار بیان کرد.

تقریب میان مقولات تاریخی و مقولات زبانی که در اینجا مطرح می‌شود آن‌قدرها که امروزه به نظر ما می‌رسد نامعمول نیست. این تقریب به واسطهٔ نوعی صورت‌بندی، که شاید حتی افراطی‌تر هم باشد، برای تفکر قرون وسطا امری آشنا بود: در کتاب ریشه‌شناسی‌ها اثر ایزیدور اهل سویل چنین می‌خوانیم: «تاریخ ملازمِ دستورزبان است.» [۳] در آن متن آگوستینی که مرجع این جملهٔ ایزیدور است این ملازمت بر این اساس تبیین می‌شود که انتقال تاریخی ضرورتاً با رجوع به قلمرو «حروف» همراه است. آگوستین پس از بررسی آنچه خود «طفولیتِ دستورزبان» می‌نامد، یعنی از ابداع حروف الفبا تا تشخیص اجزای جمله، چنین ادامه می‌دهد:

دستورزبان می‌توانست در همین جا خاتمه بیابد. ولی از آنجا که خودِ نامش گویای حروف (Letters) است [مثل کلمهٔ «الفبا» در فارسی]، که در زبان لاتین ریشهٔ کلمهٔ ادبیات (Literature) است، چنان شد که هر امر به یادآوردنی به قالبِ حروف درآمده [Litteris mandaretur] ضرورتاً با آن ملازمت داشت. بدین‌سان این رشته با تاریخ مرتبط گشت، تاریخی که نامی واحد دارد اما ماده و محتوایش نامتناهی، متنوع، و بیش‌تر آکنده از نگرانی‌هاست تا شادمانی یا حقیقت؛ ماجرای بس جدی که بیش‌تر مشغلهٔ اصحاب دستورزبان است تا مورخان.[۴]

اگر در این متن تاریخ به همان شیوهٔ تیره و تاری معرفی شده است که برای ما آشناست، یعنی به منزلهٔ «ماجرایی بس جدی که بیش‌تر مشغلهٔ اصحاب دستورزبان است تا مورخان»، از آن روست که آگوستین، با درکی عمیق از سرشت زبان، این نکته را درمی‌یابد که علم زبان نه فقط دستور به مفهوم دقیق کلمه (تحلیل همزمان ساختارهای زبانی) بلکه همچنین «بعد» نامتناهی انتقال تاریخی (Litteris mandaretur) را نیز شامل می‌شود. از این رو برای آگوستین حرف، gramma [واحد دستورزبان]، قبل از هر چیز یک عنصر تاریخی است. اما به چه معنا؟

برداشت آگوستین از این مسئله بر نظریهٔ رواقیون دربارهٔ زبان استوار است، نظریه‌ای که هنوز هم، برای مثال، در رسالهٔ مهم وارو (Varro) در خصوص زبان لاتین مطرح است. این نظریه به وضوح دو سطح را در زبان از هم تمیز می‌دهد: سطح نام‌ها (یا سطح نامگذاری ناب) و سطح گفتار که از اولی نشئت می‌گیرد، همچون «رودخانه‌ای از سرچشمه‌اش».[۵] از آنجا که آدمیان تنها از طریق انتقال تاریخی نام‌ها را دریافت می‌کنند — نام‌هایی که همواره بر آنان مقدم است — دسترسی به این بُعد بنیادین زبان مشروط به تاریخ و منوط به میانجی‌گری آن است. موجودات ناطق نام‌ها را ابداع نمی‌کنند و نام‌ها از بطن موجودات ناطق،